

مهدویت در آیات و روایات^۱

چکیده

مهدویت، موعود باوری به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخر زمان برای نجات رهایی انسان ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد اعتقاد به منجی در ادیان و ملل و اقوام مختلف با آئین ها و فرهنگ های کاملاً متفاوت وجود دارد. در آن ها منجی موعود به صورت های دیگر مطرح شده اما در مذهب شیعه و سنی بر وجود حضرت مهدی اتفاق نظر کرده اند. مهدویت یکی از ارکان مهم اصول عقائد دین اسلام است زیرا که به بحث امامت مربوط می شود و در ابتدا برای اثبات مهدویت باید جایگاه امام را در متون دینی ثابت کنیم که شناخت امام راه معرفت خداست و شرط اسلام واقعی است و هم چنین شرط پذیرش ولایت او، مهدویت در قرآن از طریق تفسیری که مفسران بر بطن و عمق قرآن آورده اند با توجه به آیات مهدویت اثبات کردیم و هم چنین از طریق دلایل نقلی که شامل آیات و روایات بودند و از طریق احادیث هم چون حدیث ثقلین و من مات به موضوع مهدویت پرداختیم.

کلید واژه: مهدویت، اسلام، امام مهدی (عج)، شناخت امام

^۱ - فاطمه، شجاعی، طلبه پایه پنجم، مدرسه علمیه معصومیه

از آن جا که اسلام دینی است کامل و در همه ابعاد می توان موضوعات آن را مورد بررسی قرار داد و الگویی برای زندگی مردم جهان قرار داد. مهدویت مبحثی است که به مسائل پیرامون حضرت مهدی (ع) می پردازد که جزء اصولی ترین مباحث اعتقادی مسلمانان است که خود بسیار گسترده و دارای ابعاد و ارکانی است و می توان گفت که در زمان و شرایط جهان کنونی که دهکده کوچک جهانی است و جهان پر است از ظلم و نا جوانمردی و وجود یک منجی برای بشریت و جهان که از این وضع مهلک و مفسد همه را نجات دهد. امری ضروری و حائز اهمیت است که می توان به جرأت بیان کرد که مهدویت و اعتقاد به حضور حضرت مهدی (عج) یک امر حیاتی است و علم ضروری است.

اعتقاد به منجی و موعود در همه ادیان وجود داشته حتی از زمان های پیشین از اسلام اما کسی از جزئیات آن آگاه نبوده و حتی به اشتباه مسیر را رفته اند و مدعیان و منحرفانی به وجود آمده اند. اما از بعد از اسلام با وجود پیامبر اعظم (ص) و بشارت وی مشخص شده که منجی و موعود بشریت چه کسی است و ایشان را به شخصی معرفی کرده اند و بسیار کتاب ها و مقالات که پیرامون مهدویت و مسائل مرتبط با آن نگاشته شده است. در بطن آیات قرآن حتی امام مهدی و موضوع مهدویت بیان شده است. که به عنوان تایید آیات ائمه معصومین هم در روایات و احادیث این مبحث را معرفی کرده اند.

۱- مفهوم شناسی

واژه «مهدویت» از ریشه «هدی، یهدی» و برگرفته از صیغه مهدی به معنای هدایت شونده (مفعولی است). (طوسی، ۱۴۱۱ق، باب ۱۳)

مهدویت در لغت الف) مصدر صناعی، جعلی، منهوت و ساختگی مصدری است که از ترکیب اسم یا صفتی با کلمه «یت» در عربی و «یدن» در فارسی به دست می آید مانند خاتمیت، زوجیت، مالکیت، مهدویت در عربی و طلبیدن، بلعیدن و ... در فارسی. ب) مهدویت به صورت منسوب است مضاف و یا منصوب «مهدی» و مضاف الیه یا منسوب الیه «یا» نسبت است که «مهدی» می شود بر اساس قواعد علم صرف مهدوی می شود. (دهخدا، ۱۳۸۲، ص ۲۳۴) (الویری، برزویی، ۱۳۹۴، شماره ۳۴، ص ۶۱)

در اصطلاح مربوط به عقاید و مسائلی که پیرامون حضرت مهدی می چرخد. طبق معتقدات مذهب شیعه امامی و بسیاری روایات اهل سنت آمده است که در آخر زمان شخصی به نام مهدی از نسل علی ابن ابیطالب ظهور می کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲)

۲- سیمای حضرت مهدی (ع)

شمایل و سیمای مهدی (ع) در احادیث و روایات متعددی وجود مبارک پیامبر (ص) شمایل و سیمای خصویات امام مهدی را مطرح کرده است در این تقاطع و تشابه رمز و رازی نهفته است که پیدایش و گسترش اسلام با رسول خدا و تکمیل آن در آخرین دوره حیات بشر به دست کسی خواهد بود که از هر نظر مانند رسول خدا است. (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۶)

۳- مهدی در اعتقادات دینی

اعتقاد که بنیان اصلی زندگی انسان است و آن چه در میان عمل محقق می شود به ساختار اعتقادی فرد مربوط است. اگر آدمی از اعتقادی صحیح و منطقی برخوردار باشد، در عمل گرفتار تناقض، بی هدفی و سردرگمی نخواهد شد و از همه فرصت های عمر خود، برای ساختن شخصیت انسانی، و الهی اش بهره خواهد گرفت. البته این اعتقاد باید سازنده، حرکت آخرین و هویت بخش باشد و در همه فراز و نشیب های زندگی، مسیر درست و هموار را برای آدمی بگشاید.

منظور از شناخت حضرت حجت (عج) داشتن نام و نسب امام عجل الله تعالی فرجه اشرف نیست؛ چرا که آن حضرت و حتی غیر مسلمانان هم می توانند چنین اطلاعاتی از ایشان داشته باشند؛ بلکه شناخت باید به گونه ای باشد که سبب سالم ماندن انسان از شبهات و مایه نجات او شود و این چنین شناختی است که به حکم عقل و نقل واجب است.

لذا عقلاً شیعه امامیه معتقد است که امام علیه السلام وارث تمام مقامات و وظایف رسول اکرم (ص) می باشد مگر دریافت و ابلاغ وحی؛ بنابراین ائمه علیهم السلام مقام ولایت، تفسیر و تبیین آموزه های وحیانی، تطبیق احکام الهی، تربیت افراد مستعد و اداره حکومت اسلامی را دارا می باشد، پس همان دلایل عقلی که ما را ملزم به کسب معرفت و شناخت نبی (ص) می کرد، هم چنان ما را ملزم به شناخت امام علی (ع) می کند؛ چون در صورت عدم شناخت چنین شخصیتی با وجود علم به لزوم آن، دلایل عقلی هم چنان نافذ و طالب پاسخ اند.

۳-۱- دیدگاه عقلی در خصوص امامت و ولایت

خدای سبحان به دلیل ناهمگونی عزت قدم (خداوند متعال) و ذلت حدوث (مخلوقات)، بدون واسطه در عالم تصرف نمی کند، از این رو انسان کامل خلیفه او در تمام هستی و همه شئون (ولایت بر تکوین و تشریع که امور حقیقی اند و ولایت شرعی که از گونه اعتباری به شمار می رود) او را عهده دار است. زیرا او صادر اول و نخستین تعیین و فیض حق تعالی است و همه فیض ها، سایه او بنده بر این اساس به مفاتیح غیب و خزائن الهی دسترسی دارد. این دانایی و توانایی از گونه تفویض نیست. چون واگذاری مطلق، نه با اطلاق ذاتی خدای نامتناهی سازگاری دارد، و نه با نیازمندی های ذاتی انسان کامل. آری خدای توانا همواره برانسان کامل و صفات او احاطه ذاتی و وصفی و فعلی دارد. یکی دیگر از شئون الهی، حاکمیت بر جامعه است که انسان کامل به خلافت از خدا، زمامدار امور اجتماعی مردم است و کسی نمی تواند این مقام را غصب کند و فقط «ولی حقیقی» این منصب را که ریشه در متن تکوین و هستی دارد و حقیقی آسمانی است، می تواند به کسی بدهد و او را به این کار گمارد. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

آفریدگار و پروردگار جهان، بر همه آفریده ها و جامعه بشری ولایت دارد و چون حاکم مردم باید از جنس خود آنان باشد و خدای والا، برتر از آن است که بی واسطه بر مردم حکم براند، پیامبر اکرم (ص) به نیابت از او، حاکم بر مردم بود. پس از او نیز امامان معصوم (ع) از این ولایت برخوردارند. (معنوی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۴)

۳-۱-۱- شناخت امام، راه معرفت خدا

نخستین و مهم ترین وظیفه انسان، شناخت پروردگار آفریننده خویش است و تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او به روی انسان باز نخواهد شد. از منظر روایات، راه معرفت خدا و اوصاف او، شناخت اولیای خدا و امامان معصوم است؛ چون ایشان مظهر اسماء و صفات الهی و آینه جمال و جلال پروردگارند، معصومین انسان های کاملی هستند که خداوند آنان را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار داده و اراده کرده است که با آنان شناخته شود و از مسیر اطاعت آن ها اطاعت شود و ثواب و عقاب را نیز بر مدار اعتقاد به ایشان و اطاعت از آن ها قرار داده است. پس شناخت امام، طریق معرفت خداست و انسان با شناخت امام و توجه به گفتار و دستورات او می تواند در جاده صحیح زندگی گام بردارد و به سعادت که خداوند برای او رقم زده، برسد. طبق حدیثی که می فرماید: از سید الشهداء (ع) سوال شد؛ «فما معرفة الله؟» حضرت فرمودند: معرفة اهل كل زمان امامهم الذی یحجب علیهم طاعته؛ مراد از شناخت خدا اهل هر

زمانی نسبت به امام خویشتن است، آن امامی که اطاعت او بر آنان واجب است. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹)

شیخ صدوق در تبیین این حدیث می گوید: مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند کسی است که آن ها را در هر زمان از امام معصوم خالی خالی نگذاشته است. پس کسی که عبادت کند خدای را که برای آنان محبت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است. (همان)

پس منصب امام بر مردم وسیله قبولی عبادات است که در غیر آن صورت عبادت غیر خدا خواهد بود و یا معرفت امام وسیله انتفاع از شناخت خدا می شود، معرفت امام و حجت الهی یک امر ضروری و لازم بر هر انسان متدین است. (شاکری زواردهی، ۱۳۸۹، ص ۳۴) (کلباسی، ۱۳۹۶، ص ۳۴)

۳-۱-۲- شناخت امام، شرط اسلام واقعی

شیعه و سنی به اتفاق از پیامبر اسلام (ص) نقل کردند: «وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر آینه هرکس بمیرد و حال آن که امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است». (ابی الحدید، نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۵۵)

بر این اساس شناخت امام شرط اسلام است و اگر کسی بی شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی بهره بوده است، هر چند مناسک و اعمال اسلام را انجام داده باشد «امامت» شاهراه بندگی خداست و آن که در این صراط مستقیم قرار گرفته کارها و اعمالش در مسیر درست، منطقی و عاقبت بخیری واقع شده است و اگر نه آن اعمال ره به جایی نبرده و کمالی برای او نخواهد آورد. چنین تأکیدی بر شناخت امام زمان (عج) نشان از آن دارد که معرفت امام کانون هویت اسلامی و امامت ستون اصلی خیمه دین مبین اسلام است که اعمال اسلامی وابسته به آن بوده و هر کس امام را نشناخت، در حقیقت از راه راست و صراط مستقیم باز می ماند.

۳-۱-۳- شناخت امام، شرط پذیرش ولایت او

مسئله ولایت امامان چنان جایگاهی دارد که در روایات گوناگون، شناخت امام از تکالیف و حقوق شمرده شده است؛ آن گونه که امام صادق (ع) پذیرش اعمال را منوط به معرفت ولایت ائمه اطهار (ع) دانستند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا أَلِيَّ بِمَعْرِفَتِنَا؛ خداوند از بندگان عملی را نمی پذیرد مگر به معرفت و شناخت ما». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۴۳)

الف) همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود این نکته از واژه «لَنْ يَفْتَرَقَا» به خوبی روشن می شود هم چنان که قرآن حجت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ هم چنین باید از اهل بیت (ع) پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند.

بر اساس این حدیث حضرت مهدی (عج) فردی از عترت، اهل بیت و فرزندان پیامبر اکرم (ص) یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر در حدیث ثقلین به آن سفارش کرده است. (کارگر، بی تا، ص ۷۵)

۵-۲- حدیث من مات

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است». (بخاری، ۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۳) (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۷۶)

علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب روایی خود آورده اند. بخش ابتدائی این احادیث از دو حال خارج نیست:

گروهی با «من مات» شروع می گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می داند و بخشی دیگر، با الفاضی چون «من خرج» شروع می شود و تمرد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می داند امامی که شناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

با دقت در حدیث من مات نکاتی به دست می آید:

الف) ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام.

ب) ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی.

ج) تعداد امام بر حسب زمان مختلف است نه بر حسب کشورها و نژادها.

د) نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت که شرایط آن را ندارند (به دلیل انطباق راه و رسم آن ها با امام زمان، و این که هیچ کس شناختن آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی داند).

با توجه به قطعی بودن حدیث من مات احادیث دیگر درباره تعداد خلفای پیامبر (ص) و امامان دوازده گانه شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول خدا حضرت مهدی موعود است. (کارگر، بی تا، ص ۷۷)

۶- درجه و مقام حضرت مهدی (عج) از نگاه علما

مطالعه سیره و اقوال علماء و بزرگان نیز نشان می دهد که آن ها نهایت ادب و احترام را به حضرت صاحب الامر (عج) رعایت و از هر سختی و عملی که در آن اندک شائبه بی توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز می کردند. امام خمینی (ره) در بیان جایگاه و شأن بی مانند امام مهدی (عج) در عالم هستی می فرماید: من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانم با هیچ تعبیری تعبیر کنم، الا همین مهدی موعود (عج) است. آنی است که خدا ذخیره کرده برای بشر. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۴۸۲)

نتیجه گیری

امام مهدی (عج) را زیرا که امام دوازدهم شیعه است و غایب از دیدگان باید از نظر امام بودنشان شناخت و بدانیم که شناخت امام معرفت خدا را دنبال دارد و اگر امام را بشناسیم یک انسان واقعی خواهیم بود که ولایت امام را نیز قطعاً پذیرفته از آن جا که قرآن را قبول داریم می دانیم که آیات آن راهی است برای زندگی بشریت و نمی شود که چیزی از امام موعود نگفته باشد. پس در بطن آیات مفسران دریافتند که با توجه به تأویل و تفسیر آیات در قرآن ائمه معصوم از سه طریق معرفی شده اند اول از طریق نامشان مثل حضرت محمد که نامشان به طور مستقیم در قرآن برده شده و دوم از طریق عدد که برای مثال در مورد نقیبان بنی اسرائیل بیان شده که دوازده نفر هستند. مورد سوم از طریق صفات و ویژگی ها برای این که دشمنان و مشرکان نتوانند سوء استفاده ای داشته باشند که امام مهدی نیز از طریق صفات در قرآن معرفی شده اند و امامان و علمای اسلام در تفسیر آیات حضرت را تایید کردند که وجود مبارک ایشان در قرآن نیز اثبات می شود.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

الف : کتب فارسی

- ۱- امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، ج ۱۲، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم، اسراء، ۱۳۸۱.
- ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، بی نا، ۱۳۸۲.
- ۴- شاکری زواردهی، روح الله، ضرورت طرح مباحث مهدویت، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.
- ۵- کارگر، رحیم، دوازده گفتار مهدوی، مرکز تخصصی مهدویت، قم، بی تا.
- ۶- کلباسی، مجتبی، تفسیر آیات مهدویت، قم، حوزه علمیه مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶.
- ۷- محمدی ری شهری، محمد، شرح زیارت جامعه کبیره با تفسیر قرآن ناطق، قم، مشعر، ۱۳۸۷.
- ۸- معنوی، سید مجتبی، ابعاد شخصیت حضرت مهدی (عج) در ادعیه و زیارات، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۹- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دو، ۱۳۸۰.

ب : کتب عربی

- ۱۰- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۵، قاهره، الاعلی للثئون الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، بی جا، دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- ۱۲- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، نجف، مکتبه الداوری، ۱۳۸۵.
- ۱۳- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، موسسه آل بیت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

۱۴- -----، -----، مجمع البیان، ج ۴، بی جا، ناصر خسرو، چاپ هشتم، ۱۳۸۴.

۱۵- قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۴، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۱۷- مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، ج ۲۳-۵۱-۵۲، بی جا، اسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

ج : مقاله

۱۸- سلیمانی و دیگران، یوسف، مهدویت از دیدگاه تشیع و اهل سنت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، ۱۳۹۱.

۱۹- الویری،برزویی،محسن،محمد رضا،گونه شناسی رویکرد های آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی،مجله مشرق موعود،شماره ۳۴، ۱۳۹۴.